

سرمایه های ملی !

نفت و گاز و پتروشیمی جزء سرمایه های مردمی یک کشور به حساب می آیند و در ساختار اقتصادی آن کشور نقش اساسی را بازی می کنند در صورتیکه این سرمایه های ملی و نه فقط نفت / طلا / معادن و... در اختیار افراد دلسوز / لایق و وفادار به کشور و مردم قرار گیرد صدرصد در مرحله اول صرف بهبود اوضاع مردم و کشور خواهد شد.

آن زمان که من در ایران بودم متاسفانه صنعت نفت ایران صحنه تاخت و تاز افراد جاه طلب / بلند پرواز / قدرت طلب / بی استعداد / سودجو و نالایق شده بود مدیران و روسائی که نه تنها شناختی از اوضاع اقتصادی و نفتی نداشتند و نه برایشان اهمیت داشت که چطور درآمدهای حاصل از نفت مورد بهره برداری یا سرمایه گذاری قرار گیرد عقد قرارداد های کاملاً خائنانه مثل بیع متقابل و... آن هم در ازای پورسانت های بسیار بالائی که به طرف مقابل داده شده .

ایران با سرمایه عظیم نفت و گاز و پتروشیمی و درآمدهای حاصل از آن که هرگز صرف امور کشور نمی شد مدیران فرصت طلب از وقت استفاده بهینه برده و درآمد حاصل را صرف افزایش سرمایه شخصی خود نمودند . روز به روز به عایدی دریافتی مدیران صنعت نفت به بهانه های مختلف اضافه میشد گرید های اداری شان روز بروز ارتقاء میافت اما مردم عادی در کنار خیابان ها می خوابیدند هرگز بهبود وضع پیدا نمی کردند . باند مافیائی حاکم بر صنعت نفت دارای چنین ساختاری بود . غلامرضا آقازاده (وزیر سابق نفت) برای ابقاء و تثبیت خویش از بستگان سید علی خامنه ای (رهبر) و اکبر هاشمی رفسنجانی را در سمت های کلیدی و حساس نصب کرده بود در اتاق هی دیگر هم تمام صاحب منصبان نفتی با یکی از دست اندرکاران رده بالای مملکتی فامیل بودند . وزیر نفت پست های حساس و کلیدی را به این ترتیب تقسیم کرده بود . برای این وزیر مهم نبود که این افراد چه مصیبتی را در محیط های کاری به سر کارمندان و.. در می آوردند . فقط مهم این بود که وزیر ارتباطاتش را در سطح بالا داشته باشد و دوره بعد هم بتواند انتخاب شود این مدیران و روسا بجای اینکه واقعا روی انجام کار مثبت و قابل توجهی متمرکز باشند در طول روز مرتب به دفاتر هم نامه و فاکس می زدند بعضا هم مثل دعا نویس های زمان قدیم حاشیه این نامه ها و فاکس ها را به هم می نوشتند . اما عملاً توسط هیچ یک از این نامه ها و فاکس ها دردی از درد های مردم دوا نمی شد و از سنگینی بار مصیبتی که به مردم بیچاره تحمیل شده بود کاسته نمی شد .

چنانچه یک فرد معمولی می آمد و قصد ملاقات وزیر را داشت گارد جلوی درب ورودی از داخل شدن شخص ممانعت به عمل میآورد / تحت عنوان اینکه وزیر وقت ندارد / با فلان وزیر یا مدیر قرار ملاقات دارد یا با هیئت دولت جلسه دارد . / در داخل وزارتخانه هم وضع چندان تعریفی نداشت . افراد عادی بی هیچ حمایتی همیشه از پائین ترین امکانات و مزایا برخوردار بودند . در صنعت نفت چنانچه یک آدم معمولی طالب انجام کاری باشد هزار و یک بهانه تراشی برایش می شود (که مغایر فلان آئین نامه / ماده / تبصره یا مصوبه است) که کار مورد نظر آدم معمولی (آدم بی پارٹی) انجام نشود و پیش نرود . اما اگر برای عوامل خودشان (نورچشمی ها ایشان) کاری را بخواهند انجام دهند برای انجام آن کلیه قوانین را مطابق و موافق می بینند !!!... معمولاً ممکن است مواردی پیش بیاید که وزیر به تنهایی نمی تواند تصمیم بگیرد و موارد را جهت ارزیابی و اتخاذ تصمیم به هیئت مدیره ارجاع می نماید . اما برای افراد خاص (که از پارٹی بالائی برخوردارند) آنجاست که جناب وزیر بدون ارجاع به هیئت مدیره محترم (جهت بررسی و اخذ تصمیم) یک طرفه صرفاً خودش تصمیم می گیرد و موافقت اش را هم اعلام می کند .

بودجه اضطراری سرمایه ایست که همیشه در اختیار وزیر قرار داشته است . من بارها و بارها شاهد این صحنه ها بودم که چطور افراد متمول که هیچ نیاز مادی هم نداشتند از این بودجه آن هم بلاعوض (بدون بازگشت) میلیون میلیون دریافت می کردند.

انعقاد قرار دادهای استعماری و خائنانه که صد درصد به نفع دولت بیگانه طرف مقابل بود نه تنها برای کشور و صنعت نفت هیچ سودی نداشت بلکه در آینده صنعت را متحمل خسارت های جبران ناپذیری می نمود .

سنگینی کار همیشه با افراد عادی / زحمتکش / سخت کوش و معمولی بود (قشر معمولی و فقیر). اما به هنگام استفاده از تعطیلات و مرخصی وزیر معتقد بود که مدیران احتیاج به استراحت ویژه دارند و بنا براین بهترین استراحت گاههای کیش و ... همیشه در تعطیلات / اعیاد و مناسبت ها از این افراد پر بود سر آخر اختلاس سرمایه های کشور زحمت هم دارد و حتما هم احتیاج به استراحت دارد !!!